

## « مثنوی ما دکان وحدت است »

مهدی سیاح زاده

مولوی در بیان مثنوی از روشی بهره می برد که در روانشناسی آن را «تداعی آزاد Free Association» نام گذارده اند. اگر مثنوی با دقت خوانده شود، به نظر می رسد که مولوی هیچگاه طرح پیش ساخته ای از آنچه قصد بیانش را دارد، نداشته و ضمن بیان هر مطلب، هر موضوع دیگری را که ذهن متلاطم و در عین حال قدرتمند او به خاطر می آورده، بلافاصله بیان می کرده و به چه زیبایی و رسایی هم بیان می کرده است. موضوع ها و مطالب مثنوی که پشت سر هم و بی وقفه ظهور می کند به قول خود مولوی، مانند موج هایی به نظر می رسد که بر روی یک اقیانوس در حرکت اند. گرچه این امواج ظاهراً با هم متفاوت هستند، با این حال این احساس در خواننده ی دقیق پدید می آید که از یک منبع عمیق و گسترده واحد شکل می گیرند و ظاهر می شوند. شاید

« مثنوی ما دکان و حدت است »

وب سایت مهدی سیاح زاده [www.sayahzadeh.com](http://www.sayahzadeh.com)

---

به همین علت باشد که مولوی خود درباره ی وحدت مطالب  
مثنوی می گوید:

مثنوی ما دکان و حدت است  
غیر و احد هر چه بینی، آن بُت است  
۱۵۲۸/۶

یعنی، مولوی در همه ی حکایت ها و داستان ها و پند  
و اندرز های مثنوی، یک حرف واحد را می زند. این است  
که گاه به نظرمی آید، اگر همه ی این ۲۶ هزار بیت مثنوی را  
جمع کنیم، در یک جمله می توان خلاصه کرد و آن یکتایی  
عالم است و سخن از عشق. یعنی سخن واحدی که با بیان های  
متفاوت ارائه شده است. به قول حافظ:

یک قصه بیش نیست غم عشق و، این عجب  
کز هر زبان که می شنوم، نامکرر است  
(غزل حافظ با مطلع: باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر  
است)

این متبادر شدن ذهن خلاق مولوی در بیان مثنوی  
است که به مطالب آن غنا می بخشد.

\*\*\*